

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شهید حرمان اهواز

دانشکده الهیات و معارف اسلامی
گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

عنوان:

بررسی اعلامیه جهانی حقوق بشر و مبانی آن از نظرگاه فقه و حقوق اسلامی

دانشجو:

مریم عذار نژاد

استاد راهنما:

دکتر عبدالحسین رضایی راد

استاد مشاور:

دکتر خسرو نشان

دی ماه ۱۳۸۸

تقدیر و تشکر

ستایش آن مهربان هستی بخش که موهبت درک و شناخت را به من بخشود تا بتوانم لذت درک علوم را بچشم و همواره در این راه یاریم کرد. و اما پایان هر تلاشی ابتدای قدردانی است، قدردانی از تمام کسانی که با راهنماییها و حمایتهایشان به ثمر رسیدن تلاش را ممکن ساخته‌اند. بر خود لازم می‌دانم از همه عزیزانی که راه را نشانم دادند و این اشتیاق را در من بوجود آوردند تا نا امید نگردم از نرسیدن، قدردانی کنم.

از استاد راهنمای اندیشمند و فرزانه‌ام، آقای دکتر رضایی راد که در طول مدت اجرای این پایان نامه و در طول تحصیل از همراهی و همیاری دلسوزانه و صمیمانه‌ی ایشان برخوردار بوده‌ام و همواره پیشنهادهای ایشان راه گشای مشکلاتم بود، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

از استاد مشاور دکتر نشان که در طول تحصیل و انجام پایان‌نامه مرا از دریای علم خویش بهره‌مند ساختند، سپاسگزارم.

از اساتید فرزانه و دانشمند دکتر حسینی منش، دکتر آل طاها و دکتر گنجی که در طول تحصیل در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد افتخار شاگردی‌شان را داشتم، سپاسگزارم.

همچنین از دوستان عزیزم از جمله خانم‌ها سلیمه امیری، فاطمه منفرد، طاهره ابولی، سمیه عباسی، سمانه پروانه، زینب نجفی، سمیه امیری و سارا بهرامی که در دوره‌ی تحصیل مرا یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

تقدیم

:

ساحت مقدس امام زمان (عج)

تقدیم به پدرم:

تنها تکیه گاهم، پدرم سپاس برای همه رنج ها و سختی های بی پایان و تلاش های مداومت؛ امید که روحت
از من شاد و دولت راضی باشد.

و

تقدیم به مادرم:

یگانه خورشید آسمان زندگی ام، او که مهربانیش بی دریغ و تلاشم برای جبران محبت های بی پایانش بی
سراسر انجام.

و

تقدیم به خواهرم:

او که همه زندگی و موفقیتتم را و امدارش، ستم و تا دنیا دنیایی کند نخواهم توانست ذره ای از مهربانی هایش را
جبران کنم.

نام خانوادگی: عذارنژاد	نام: مریم
عنوان پایان نامه: بررسی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و مبانی آن از نظرگاه فقه و حقوق اسلامی	
استاد راهنما: دکتر عبدالحسین رضایی راد	
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: الهیات گرایش: فقه و مبانی حقوق اسلامی
محل تحصیل (دانشگاه): شهید چمران اهواز	
دانشکده: الهیات و معارف اسلامی	
تاریخ فارغ التحصیلی: آذر ماه ۸۸	تعداد صفحات: ۱۹۴
کلیدواژه‌ها: حقوق بشر، حقوق، آزادی برابری	
چکیده:	
<p style="text-align: center;">چکیده</p> <p>حقوق بشر یک پدیده‌ی تازه و نوینی نیست بلکه جریانی است که در طول حیات بشری، رسیدن به آن همواره دغدغه‌ی فکری افراد بشر بوده است؛ علاوه بر آن حقوق بشر، یک حقوق جهانی است زیرا این حقوق حق طبیعی و مسلم هر فرد از خانواده بشری است و هر فردی با هر ویژگی اعم از نژاد، زبان، جنس، رنگ، دین و غیره باید از آن بهره‌مند شود. آن چه که امروزه به عنوان "حقوق بشر" زبان زد جوامع معاصر گردیده، همان حقوقی است که در صد و هشتاد و سومین اجلاس عمومی مجمع عمومی ملل متحد در ۱۰ سپتامبر ۱۹۴۸ در یک نسخه‌ای بدون تحت عنوان "اعلامیه جهانی حقوق بشر" به تصویب رسید. این اعلامیه محور تعیین مهم‌ترین اصول حقوق و آزادی‌های بشر از جمله اصل آزادی، اصل برابری و مساوات و مانند این‌ها قرار گرفت؛ اما علی‌رغم جهانی بودن آن، چالش‌های بسیاری را در میان برخی ملل جهان و از جمله کشورهای مسلمان را برانگیخت، که نادیده گرفتن مبنای اصلی حقوق بشر در اسلام یعنی یگانگی و وحدانیت خداوند و اکتفا نمودن به عقول بشری و نیز محور بودن انسان در تدوین این اعلامیه، از چالش‌های اصلی که دنیای جدید غرب برای جهان اسلام به وجود آورد؛ در نتیجه این مسأله باعث شد که مفهوم دقیق حقوق بشر در اسلام، با آن چه که در تفکر حقوقی اسلامی تحت عنوان حقوق بشر شناخته شده است، متفاوت باشد تا جایی که کشورهای مسلمان و مدافعان حقوق بشر اسلامی به دلیل تضاد بسیاری از عناصر حقوقی و اخلاقی اعلامیه با تعالیم اسلامی، در ۵ اوت ۱۹۹۰ (۱۵ مرداد ۱۳۶۹) اجلاس وزیران خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره، "اعلامیه اسلامی حقوق بشر" را به تصویب رساندند.</p>	

فهرست مطالب

عنوان صفحه

فصل اول: کلیات

مبحث اول: حقوق بشر و مفهوم آن

- ۲..... معنای لغوی حقوق
- ۳..... معنای اصطلاحی حقوق
- ۴..... تعریف حقوق بشر

مبحث دوم: تاریخچه و خاستگاه حقوق بشر

- ۷..... ۱- حقوق بشر در اسلام
- ۹..... الف) تاریخ تکوین حقوق بشر در اسلام
- ۱۲..... ب) تاریخ تدوین حقوق بشر در اسلام
- ۱۳..... ۲- تاریخ حقوق بشر در حقوق موضوعه
- ۱۹..... الف) مبارزات مردم انگلستان
- ۲۰..... ب) مبارزات ایالات متحده آمریکا
- ۲۲..... انقلاب کبیر فرانسه و تأثیر آن بر تدوین اعلامیه
- ۲۴..... ۳- مقدمات تهیه اعلامیه و تأثیر آن بر تدوین اعلامیه

فصل دوم: مبانی نظری حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر، محتوا و نقد اعلامیه

- ۲۸..... مبحث اول: مبانی نظریه حقوق
- ۲۹..... الف) مبانی حقوق بشر در مکتب توحیدی
- ۳۵..... ب) مبانی حقوق بشر در مکتب بشری
- ۳۷..... ۱- سیسرو پرچمدار نخستین گام های طبیعی
- ۳۸..... ۲- جان لاک لیبرالیسم حقوق طبیعی
- ۳۹..... ۳- جان فینیز احیاگر معاصر حقوق طبیعی
- ۴۰..... ۴- ایما نوئل کانت و نظریه قراردادی حقوق بشر
- ۴۲..... مبحث دوم: اعلامیه جهانی حقوق بشر

محتوای اعلامیه جهانی حقوق بشر	۴۸
مبحث سوم: نقد اعلامیه جهانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام	۴۹
۱- ضعف مبانی	۵۱
۲- عدم صلاحیت قانون‌گذار	۵۴
الف) عدم شناخت بشر	۵۷
ب) رنگ عقول بشر	۶۱
۳- عدم توجه به تکالیف و وظایف بشر	۶۵
۴- جهان‌شمول نبودن و ناهماهنگی اعلامیه	۷۳
۵- نداشتن ضمانت اجرا	۸۱

فصل سوم: مقایسه تطبیقی اعلامیه جهانی و اعلامیه اسلامی حقوق بشر

تعیین و تحدید موضوع بحث	۸۸
مبحث اول: اعلامیه اسلامی حقوق بشر	۸۹
نکات مثبت و منفی اعلامیه	۹۸
مبحث دوم: وجوه اشتراک دو اعلامیه	۱۰۱
۱- اشتراک در کرامت ذاتی بشر و اصل آزادی	۱۰۱
۲- اشتراک در برخورداری از حق حیات و حق امنیت	۱۰۲
۳- اشتراک در اصل تساوی	۱۰۳
۴- اشتراک در حقوق سیاسی - اجتماعی	۱۰۵
۵- اشتراک در اصل آزادی	۱۰۶
۶- اشتراک در سایر حقوق	۱۰۶
مبحث سوم: وجوه تمایز دو اعلامیه	۱۰۸
۱- تفاوت در موضوع	۱۱۰
۲- تفاوت در مبانی و محوریت حقوق بشر	۱۱۰
۳- تفاوت در نگرش به حق حیات	۱۱۳
۴- تفاوت در نگرش به کرامت انسانی	۱۱۸
الف) کرامت انسان از دیدگاه اسلام	۱۱۹
ب) کرامت انسان از دیدگاه غرب	۱۲۳
۵- تفاوت در نگرش به اصل آزادی	۱۲۵
الف) تعریف آزادی	۱۲۶

آزادی در لغت	۱۲۶
آزادی در اصطلاح	۱۲۷
آزادی از دیدگاه اندیشمندان غربی	۱۲۷
آزادی از منظر اسلام	۱۲۹
مقایسه دو دیدگاه از منظر اندیشمندان اسلامی	۱۳۳
(ب) انواع آزادی از منظر اسلام و غرب	۱۳۸
۱- آزادی فردی	۱۳۸
الف) حق امنیت	۱۴۲
(ب) آزادی انتخاب شغل	۱۴۶
(ج) آزادی رفت و آمد	۱۴۷
(د) آزادی در برخوردی از حق مالکیت	۱۴۹
۲- آزادی سیاسی	۱۵۴
الف) حق حاکمیت و تصدی منصب	۱۵۵
(ب) حق نظارت و انتقاد	۱۶۱
۳- آزادی عقیده و مذهب	۱۶۷
آزادی مذهب و مسأله ارتداد	۱۷۲
الف) آثار سیاسی ارتداد	۱۷۳
(ب) آثار فردی ارتداد	۱۷۴
(ج) آثار اجتماعی ارتداد	۱۷۵
۶- تفاوت در نگرش به اصل تساوی	۱۷۶
نتیجه گیری و جمع بندی	۱۸۳

فصل چهارم: حقوق بشر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱- حق تساوی	۱۸۶
۲- حق آزادی	۱۸۸
۳- حق منع شکنجه و تبعید	۱۹۰
۴- حق در اداره امور کشور	۱۹۱
۵- حق آموزش و پرورش	۱۹۲
۶- حق تأمین اجتماعی	۱۹۳
۷- حق داشتن تابعیت	۱۹۳
منابع و مأخذ	۱۹۵

اهداف تحقیق

مهم‌ترین اصول اساسی حقوق بشر از جمله حق حیات، اصل کرامت انسان، اصل آزادی و اصل برابری و غیره که در اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح گردیده، در تعالیم ناب و همه جانبه اسلام نیز آمده و اسلام آن را به صورت مؤثری مورد تأکید و توجه قرار داده است. اما باید دید که چه تناسبی بین این اعلامیه که به وسیله متخصصین و شخصیت‌های بزرگ حقوقی دنیای امروز، تنظیم شده و از زیر نظر ۴۸ شخصیت ممتاز کشورهای مختلف گذشته، با اعلامیه دیگری به نام اسلام که به وسیله یک مرد درس نخوانده و مکتب نرفته‌ای به نام محمد بن عبدالله (ص) در شبه جزیره عربستان آن هم در چهارده قرن پیش تنظیم و آورده شده، وجود دارد؟

بنابراین با توجه به نقاط اشتراک و اختلافی که میان این دو اعلامیه وجود دارد، می‌توان تبیین مبانی دینی و حمایت نظری از اصول اعلامیه حقوق بشر و تسهیل اجرای آن در جوامع اسلامی و نیز نقد و تکمیل مبانی آن با استمداد از تعالیم غنی و جامع اسلامی، را به عنوان مهم‌ترین اهداف این تحقیق نام برد. البته لازم است که این نکته را نیز متذکر شویم که ما از این رو وارد این بحث نشده‌ایم که در برابر اندیشه‌های حقوقی و سیاسی غرب تفکر مشابهی را به نام اسلام مطرح سازیم، و یا این که برتری نظام حقوقی اسلامی نسبت به حقوق غربی را نشان دهیم؛ چرا که با مراجعه به نصوص اسلامی در طول چهارده قرن پیش می‌توان به وضوح به این حقیقت پی برد. که وجود یک تصور و اندیشه‌ی مشخص اسلامی در زمینه مسائل حقوق بشر چه در تئوری و چه در عمل همواره در تاریخ اسلام مطرح و مورد توجه بوده است.

پیشینه تحقیق

شکی نیست که اعلامیه جهانی حقوق بشر برای روشن کردن افکار، و جلوگیری از تعدیات و آماده کردن مردم، برای محترم شمردن حقوق دیگران، و تفاهم بیشتر اثر به سزایی داشته و در حد خود قدم بزرگی بود که در تاریخ بشریت برداشته شده است. اما باید توجه داشت که سیر تاریخی حقوق بشر چه از دیدگاه حقوق موضوعه و غرب، و چه از دیدگاه اسلام پیشینه بسیار طولانی دارد؛ هر چند که در طی قرن‌های اخیر اکثر کشورهای جهان به تأثر از غرب این حقوق را که در اعلامیه جهانی حقوق بشر

تدوین گردیده به عنوان حقوق همه ملت‌ها پذیرفته و آن‌ها را در قانون اساسی خود وارد کرده‌اند و نیز در تبیین مبانی این حقوق آثاری تدوین شده، لکن به دلیل نبودن حکومت اسلامی و مبتلابه نبودن این گونه مباحث در جوامع اسلامی در تبیین و روشن نمودن مبانی دینی، این حقوق جز مباحث مختصری که در آثار بزرگانی چون شهید مطهری، علامه طباطبایی، آیت الله عمید زنجانی، آیت الله مصباح یزدی و آیت الله جوادی آملی مطرح شده، تلاش‌های بیشتری صورت نگرفته و لذا نیاز به یک بررسی روشمند و پر دامنه در این مسئله همچنان احساس می‌شود.

شیوه و روش تحقیق

شیوه و روشی که در این تحقیق اتخاذ گردیده، کتابخانه‌ای از نوع تطبیقی و مقایسه‌ای میان دو دیدگاه اسلام و غرب، با مطالعه کتاب‌های مختلف و مراجعه به مقالات و مجلات مربوط به موضوع بحث یعنی حقوق بشر از دیدگاه اسلام، صورت گرفته است؛ با استمداد از این روش، مبانی حقوق بشر و مهم‌ترین اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر با موازین شرعی و اعتقادی اسلام مطابقت داده و میزان مشروعیت آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مقدمه

در بحث از حقوق و آزادی‌ها سخن از انسان است، انسانی که اشرف مخلوقات نامیده می‌شود و جهان با تمام امکانات، نعمات و مواهب برای وی و در خدمت اوست. انسانی که در عالم زمین^۱ مقام خلیفه الهی در زمین یافته و بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم شده است. انسان به طور اعم یعنی در هر وضع و موقعیت و صرف نظر از جنس، نژاد، رنگ و خصوصیات موروثی و اجتماعی موجودی است آزاد و متمتع از یک سلسله حقوق. به عبارت دیگر هر انسانی به صورت طبیعی و خدادادی دارای حقوقی است؛ و به دلیل انسان بودنش برخوردار از حق حیات، حق آزادی، حق داشتن کار، مسکن، دادخواهی، تعلیم و تعلم و غیره است. خداوند که آفریننده انسان‌ها است، ساختار وجودی انسان را به گونه‌ای آفریده است که دارای استعدادها، امیال و تقاضاهایی است؛ همین استعدادها و میل‌های انسان است که پدید آورنده حق خدادادی و طبیعی برای او است.

به همین دلیل است که حقوق بشر اولاً حقوقی جهانی است، و ثانیاً حقوقی است که توسط خالق بشر از همان آغاز خلقت، برای او پایه‌گذاری شده است. زیرا این حقوق، حق طبیعی و مسلم هر عضو خانواده بشری است و هر فرد بشر در هر کجا، با هر نژاد، زبان، جنس، یا دین که باشد، از این حقوق بهره‌مند است و لازم نیست که این حقوق را کسب کند.^۲

بنابراین حقوق بشر یک پدیده‌ای تازه که با تنظیم یک نسخه‌ای جهانی که امروز تحت عنوان اعلامیه جهانی حقوق بشر تولد یافته و به عنوان محوری برای تعیین حقوق همه ملل جامعه بشریت قرار داده شده، نیست؛ بلکه حقوقی است که به دلیل نیازهای فطری انسان برای ادامه حیات خود صرف‌نظر از هر گونه خصوصیتی، توسط خداوند برای وی قرار داده شده است.

اما آنچه در این در این رساله مورد بحث قرار خواهد گرفت، بررسی اعلامیه جهانی حقوق بشر

مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ م. توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، است.

از نظر این اعلامیه که مشتمل بر سی ماده است، همه افراد بشر بی‌توجه به تمایزات نژادی، قومی،

فرهنگی، دینی، جنسی، و مانند آن برابرند؛ در نتیجه همه انسان‌ها از حقوق برابر برخوردارند و هیچ

^۱ - و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفه (بقره، آیه ۳۰)

^۲ - در توضیح این مطلب باید گفت که همه ملت‌ها حقوق بشر را قبول دارند و نزاع تنها بر سر تطبیق اصول آن با موازین دین است.

کس را نمی‌توان از داشتن این حقوق محروم ساخت. این حقوق بر محور برابری انسان‌ها و عدالت فراگیر می‌چرخد و مضامین آن با مطالعه مواد اعلامیه که- در مباحث مختلف این رساله نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت - برداشته می‌شود.

اما در عین حال، شرایطی که حاکی از اتفاق نظر در خصوص مقبولیت جهانی اعلامیه باشد، وجود ندارد. و در چشم‌اندازی به جهان سوم، این طور برداشت می‌شود که آن‌ها چون در تدوین، تصویب و حتی اجرای آن نقش نداشته‌اند، این اعلامیه را یک اعلامیه غربی برای تأمین منافع غربی‌ها تلقی می‌کنند. به عنوان مثال هر چند کشورهای اسلامی در تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر به شکل مؤثر و فراگیری حضور داشته‌اند اما در مقابل، اتفاق نظر آنان در تدوین اعلامیه حقوق بشر اسلامی در قاهره بیان‌گر این مطلب است که مقبولیت این اعلامیه به شدت از ناحیه بخش عظیمی از ملت‌های اسلامی محل تردید است و با این وضعیت اعلامیه را نمی‌توان برآمده از اراده تفصیلی کشورهای اسلامی و ملت‌های مسلمان قلمداد کرد.

چرا که برخی بر این اعتقاد هستند که اعلامیه جهانی حقوق بشر، جامع‌ترین و کامل‌ترین سندی است که در زمینه حقوق انسان تدوین شده، اما حقیقت این است که این دیدگاه حالت افراط به خود گرفته و تعالیم مذهبی در زمینه حقوق انسانی، چه در نوع حقوق و چه در تفسیر آن‌ها بسیار بالاتر و متعالی‌تر از این اعلامیه حرکت می‌کند، و این اعلامیه به سبب ماهیت غربی، تأمین‌کننده منافع غربی‌ها و ابزاری برای سلطه آن‌ها در شکل جدید استعمار است؛ همان‌طور که در بحث سیر تاریخی حقوق بشر بیان خواهد شد، اساس پیدایش حقوق بشر در غرب ناشی از ضرورت‌های اجتماعی و محصول انقلاب‌ها و جنبش‌های مردمی علیه نظام‌های استبدادی است و در بعد وسیع‌تر می‌توان حقوق جهانی بشر را ناشی از ضرورت‌های پس از جنگ‌های جهانی دانست.

اما بحث از حقوق و آزادی بشر در نظام حقوقی اسلام در ارتباط با جامعه‌ای است که هدف نهایی‌اش حرکت به سوی الله و ساختن جامعه‌ای اسوه است و می‌کوشد تا زمینه لازم و کافی را برای رشد و تکامل ملت فراهم آورد. همه کوششی که جوامع گذشته داشته‌اند و اکنون نیز دنبال می‌کنند و با وسایل و امکانات گسترده به تبلیغ آن می‌پردازند، در بعد زندگی مادی است. اگر به اعلامیه‌هایی که درباره حقوق بشر چه در امریکا و فرانسه و چه در انگلستان و دیگر کشورها صادر شده و به مقدمه‌ای

که در این رابطه در قوانین اساسی آن‌ها آمده و قطعنامه‌هایی که در این باره صادر شده مراجعه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که هدف منحصر و نهایی، تأمین زندگی بدون زحمت و توأم با رفاه و آسایش انسان است. در حالی که مکتب والا و انسان ساز اسلام، تنها به مسائل مادی نپرداخته است؛ در اسلام، به لوازم و ضروریات انسان از زن و مرد برابر با فطرت و طبیعت او با دقت خاصی توجه شده و حقوق و تکالیف وی پیش از تولد تا پس از مرگ در تمام جهات و در همه زمینه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در مکتب انسان ساز محمدی، هدف آن است که بشر گام به گام به سوی رشد و تکامل حرکت کند. قرن‌ها پیش از آن که حقوق و آزادی‌های فردی سر فصل قوانین اساسی قرار گیرد و چکیده آن در قالب سندی به نام اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار داده شود، اصول واقعی حقوق فردی و طبیعی انسان در آیات آسمانی قرآن آمده و بر آن تأکید شده است. و به همین دلیل است حقوق بشر غربی همواره چالش برانگیز بوده و بسیاری از جوامع و اندیشمندان را به موضع‌گیری واداشته است؛ چرا که عنصری که در اسلام و بلکه همه ادیان الهی، برای تدوین حقوق بشر بر آن اتفاق نظر وجود دارد، توحید و نفی شرک است و در واقع بر پایه همین عنصر حقیقت محور است که جایگاه حقوق انسان مشخص و انسان به کرامت واقعی خود دست می‌یابد. ولی متأسفانه این عنصر مهم در اعلامیه جهانی نادیده گرفته شده است.

بنابراین آن چه که در این جا ما به دنبال بیان آن هستیم این است که با توجه به اختلاف در مبانی تدوین حقوق بشر در دو نظام حقوقی جهان غرب و جهان اسلام، آیا این اعلامیه که به عنوان یک سند جهانی و بین‌المللی برای همه ملل جهان معرفی شده است، می‌تواند به عنوان مرجعی واحد و جهان شمول برای تعیین حقوق همه افراد جامعه بشریت از هر نژاد و مذهبی و از جمله مذهب اسلام باشد یا خیر؟ به عبارت دیگر اصول اساسی حقوق بشر از جمله اصل آزادی و اصل تساوی و برابری انسان‌ها و سایر اصول می‌تواند با همان اطلاق که در اعلامیه آمده مورد پذیرش اسلام باشد؟ آیا عقول بشری که مبنای تدوین حقوق بشر در اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار گرفته‌اند، با وجود محدودیت‌هایی که دارد، می‌تواند به عنوان یک مرجع برای تدوین حقوق بشر قرار گیرند؟ پاسخ به این سؤالات و تبیین دیدگاه اسلام در مورد حقوق بشر و مبانی آن، مسائلی هستند که در این رساله مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

فصل اول: کلیات

✓ حقوق و مفهوم آن

✓ تعریف حقوق بشر

✓ تاسه نچه و خاستگاه حقوق بشر

حقوق بشر و مفهوم آن

از آنجایی که بحث از حقوق بشر یکی از مسائل مهم و اساسی جامعه بشریت از گذشته تا کنون بوده و نیز از عمده مسائل مبتلا به جهان کنونی به شمار می‌رود، ضروری است که مبحث نخست را به تعریف حقوق بشر اختصاص دهیم؛ اما با توجه به این که حقوق بشر از دو واژه‌ی "حقوق" و "بشر" تشکیل شده است، و واژه‌ی حقوق چه در معنای اصطلاحی و چه در معنای لغوی و نیز چه به صورت مفرد و چه به صورت جمع دارای معانی متعددی است، لذا در اینجا بهتر است که ابتدا با معنای لغوی و اصطلاحی واژه "حق" آشنا شده، و ببینیم که مقصود از حقوقی که تحت عنوان حقوق بشر در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قوانین اساسی ملت‌های مختلف آمده است کدام است، تا بتوانیم با یک شناخت روشن و دقیق، حقوق بشر و از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر را مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

معنای لغوی حقوق

حقوق جمع واژه‌ی حق است. حق واژه‌ای است عربی که به معنای «ثبوت» و «تحقق» است. وقتی می‌گوییم چیزی تحقق دارد یعنی ثبوت دارد. در زبان فارسی نیز گاهی «هستی پایدار» به عنوان معادل آن بکار برده می‌شود، یعنی هر چیزی که از ثبات و پایداری بهره‌مند باشد^۱. به همین دلیل است که قرآن خداوند را حق معرفی می‌کند: «ذالک بان الله هو الحق»^۲.

لغت‌نامه دهخدا معانی متعددی را برای این واژه ذکر می‌کند که مهم‌ترین آنها از این قرار است: راست کردن سخن، درست کردن وعده، یقین نمودن، غلبه کردن به حق، موجود ثابت و نامی از نام‌های خداوند متعال^۳.

همچنین فرهنگ تاج‌العروس چند معنای دیگر برای واژه حق نام می‌برد از جمله نام یا صفتی از صفات خداوند، موجود حقیقی، قرآن، نقیض باطل، عدل، اسلام، ملک، موجود ثابت، صدق و غیره^۱.

^۱ - دهخدا علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، جلد ۱۷ ماده «حق»

^۲ - حج، آیه ۶

^۳ - معلوف، لویس، المنجد فی الغه، ماده «حق»، ص. ۶۹۰

معنای اصطلاحی حقوق

حق در اصطلاح بیشتر به صورت جمع به کار می‌رود و در واقع آن‌چه که در حقوق بشر مد نظر قرار می‌گیرد همین معنای اصطلاحی آن است. امروزه واژه‌ی حقوق در اصطلاح و زبان فارسی استعمالات و کاربردهای متفاوتی دارد اما به لحاظ علمی و فلسفی چند معنی آن بیشتر مورد بحث نیست از جمله:

۱- حقوق عبارت است مجموعه قواعد و مقرراتی است که بر روابط افراد یک جامعه در زمان معین به کار برده می‌شود. یعنی از آنجایی که انسان به صورت فطری به اجتماع گرایش دارد و همیشه نیازمند این است که با دیگران باشد تا بتواند از عهده نیازهای خود برآید و هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی نیازمند معاشرت و بودن در اجتماع است، بنابراین تنها فرد نیست که وجود خارجی و واقعی دارد اجتماع نیز موجود اصیلی است و تا آنجا که تاریخ یاد دارد پیوسته افراد بشر با هم زیسته‌اند و جامعه و فرد لازم و ملزوم یکدیگر بوده‌اند. از این‌رو برای این که در میان افراد جامعه بشری تعادل ایجاد شود و نظم برقرار شود لازم است که قواعد و مقرراتی میان آنها حاکم باشد. به مجموعه این مقررات "حقوق" گفته می‌شود.^۲

حقوق در این معنا مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهایی است که اعضای یک جامعه ملزم به رعایت آن هستند و دولت ضمانت اجرای آن را به عهده دارد مانند حقوق ایران و حقوق مصر. تقریباً همه جوامع انسانی از گذشته تاکنون به نوعی با این الزام‌های حقوقی همراه بوده‌اند.

معادل این معنا در تعالیم اسلامی، واژه‌ی "شرع" و "شریعت" بکار می‌رود، چنان که می‌گویند شرع موسی یا شرع اسلام. و به دلیل اینکه از دیدگاه اسلام منشاء حق خداوند متعال است، در تعریف "حقوق" گفته شده: حقوق عبارت است از مجموعه‌ی قوانین و مقررات اجتماعی که از سوی خدای انسان و جهان برای برقراری نظم و قسط و عدالت در جامعه‌ی بشری تدوین می‌شود تا سعادت جامعه را تأمین سازد.^۳

^۱ - الواسطی الزبیدی محی الدین، ابن فیض، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۳، باب القاف، ص ۷۹

^۲ - کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، ج اول، ص ۳۱

^۳ - جوادی آملی، پیشین، ص ۷۵

گاهی حقوق به معنای امتیازات و ویژگی‌های هر یک از افراد یک جامعه است که از آن به «حقوق فردی» تعبیر می‌شود. مانند حق حیات، حق مالکیت، حق ابوت، حق بنوت و حق زوجیت. یعنی برای اینکه عدالت در روابط مردم و نظم در اجتماع برقرار گردد، باید یک امتیازاتی برای افراد در برابر یکدیگر اعطا شود تا بتوانند توانایی‌ها و استعدادهای خود را به رشد و تکامل برسانند. هر کدام از این امتیازها را "حق" و جمع آن را "حقوق" می‌نامند^۱ و حال آنکه واژه‌ی "حقوق" در معنای نخست همیشه با ترکیب جمع بکار می‌رود و برای نشان دادن نظامات و قوانین است.

بحث از حقوق بشر در این مختصر همان گونه که در مباحث بعدی بیان خواهد شد، بیشتر با این معنای اخیر تطابق دارد هر چند که واژه‌ی "حقوق" به لحاظ عرفی و اصطلاحی کاربردهای دیگری نیز دارد، از جمله این که حقوق به معنای دستمزد و حق الزحمه، مثلاً گفته می‌شود «حقوق کارمندان دولت»، منظور از آن دستمزدی است که این افراد به طور ماهانه از دولت دریافت می‌کنند. اما آنچه که مربوط به بحث ما می‌شود بنا به تعریف دومی که از حقوق بیان شد، همان حقوق فردی افراد بشر است که از آن به **حقوق بشر** تعبیر می‌کنند.

حال که با مفهوم لغوی و اصطلاحی حقوق تا حدودی آشنا شدیم و نیز مقصود از حقوق بشر تا اندازه‌ای برای ما روشن شد، در ادامه به تعریف حقوق بشر می‌پردازیم.

تعریف حقوق بشر

تاکنون تعریف دقیقی از حقوق بشر که مورد پذیرش عموم ملت‌های جهان باشد ارائه نشده و این خود مشکلی مهم برای تنظیم یک تعریف بین‌المللی برای آن بوده است.

این که انسان‌ها همگی دارای حقوق هستند یک اعتقاد و باور جهان شمولی است، هر چند که این جهان شمولی بر مقوله‌ی تعریف و تشریح این حقوق به پراکندگی وسیع و گسترده دچار می‌گردد^۲. چرا که هریک از کشورها با توجه به فرهنگ و سنت‌های خود و حقوقی که بر این اساس برای افراد ملت خود تدوین می‌کند، حقوق بشر را مورد تعریف قرار می‌دهند.

^۱ - کاتوزیان، پیشین، ج اول، ص ۴۳

^۲ - در مباحث آینده بیان خواهد شد که یکی از علل ناکامی‌ها و از جمله نغدهایی که بر اعلامیه جهانی حقوق بشر وارد است همین پراکندگی و عدم انسجام آن است.

بنابراین تمایزات تاریخی، تفاوت‌های فرهنگی و تعارضات اقتصادی و زد و خوردهای سیاسی میان دولت‌ها و جامعه‌ی بین‌المللی باعث شده است که نتوان از یک واژه نامه واحد در حیطه حقوق بشر برای تعریف آن استفاده کرد.

حقوق بشر "Human Right" در سطوح ملی و بین‌المللی: «متوجه حمایت از افراد بشر در مقابل رنج‌ها و مشقات ساخته‌ی دست‌انسان‌ها و موانع قابل اجتنابی است که از طریق اعمال محرومیت، بهره‌کشی، اختناق، آزار و اذیت کلیه‌ی اشکال سوء رفتار توسط گروه‌های سازمان یافته و قدرتمندی از انسان‌ها بوجود آمده است»^۱.

پروفسور بادوان در تعریف حقوق بشر می‌گوید:

«حقوق بین‌الملل بشر یا حقوق اساسی نوع بشر مجموعه امتیازاتی که با توجه به شأن و مقام انسان شکل گرفته است. فلسفه وجودی حقوق بین‌الملل بشر، اعتلای منزلت این حقوق بوده است، تا آن که با رعایت موازین آن در سراسر جهان، همه افراد به صورتی یکسان از این امتیازات بهره‌مند گردند»^۲.

بنابراین مجموعه قواعد حقوق بشری شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی است که به منظور حمایت از حیات، سلامت و کرامت افراد البته در شرایط متفاوت ایجاد شده است. مجموعه‌ای از اصول و قواعدی است که بر مبنای آن افراد یا گروه‌ها صرفاً به دلیل انسان بودن از استانداردهای رفتاری خاص برخوردار گشته یا از اختیاراتی بهره‌مند گردند. و به طور کلی می‌توان گفت که حقوق بشر: «مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم، اسناد و ساز و کارهایی است که موضوع شان حمایت از مقام و منزلت و کرامت انسانی است»^۳.

بنابر آنچه بیان شد روشن می‌شود که حقوق بشر به دنبال تضمین حقوق اساسی افراد بشر بوده و اعطا حقوق مشخص آنان می‌باشد که مقصود از آن: «حکومت، قانون عادلانه، آزادی بیان و اجتماعات،

^۱ - آقایی، بهمن، فرهنگ حقوق بشر، ص ۳۳

^۲ - فلسفی، هدایت‌الله، جایگاه بشر در حقوق بین‌الملل معاصر، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، ۱۳۷۵، ص ۲۵۷

^۳ - مفاهیم کلیدی حقوق بشر، حرف(ب)، ص ۱۹۲

مصونیت جان و مال و آزادی‌های ویژه‌ای چون حقوق اقتصادی، مصونیت از تبعیض و حقوق بیگانگان با تمام زیر شاخه‌ها، چارچوب‌های منطقی اجرایی و وجود ضمانت اجرای آنهاست^۱».

تاریخچه و خاستگاه حقوق بشر

حقوق بشر در طول تاریخ راه طولانی و پرفراز و نشیبی را طی کرده و سابقه‌ی تاریخی آن به همان زمان تولد و تکون بشر بر روی زمین باز می‌گردد. قرآن کریم خداوند را به لحاظ آفریدن انسان «احسن الخالقین» نام نهاده^۲ و هنگام بیان نقشه خلقت انسان به فرشتگان از او به عنوان خلیفه و جانشین خود یاد می‌کند^۳. و فرشتگان را به سجده در برابر او امر می‌نماید^۴ و بر کرامت و بزرگداشت انسان تصریح می‌نماید و این خود روشن‌ترین گواه بر این مدعا به حساب می‌آید. خلیفه کردن انسان در زمین و مسجود فرشتگان واقع شدن او، نشانه برتری و کرامت انسان است که از اصول اساسی حقوق بشر به شمار می‌رود بنابراین هرچند که تدوین اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر یک پدیده-ای نوین به حساب می‌آید اما حقوق مذکور در آن عمری به طولانی عمر بشر دارد. اکثر نویسندگان و پژوهشگران غربی در نوشته‌های خود پیرامون موضوع مورد بحث، هنگام نگارش سیر تاریخی حقوق بشر، بیشتر خاستگاه آن را در غرب مورد مطالعه قرار داده و مهد تولد آن را یونان باستان معرفی کرده‌اند و در این میان از نقش اسلام و مسلمین در شکل‌گیری غفلت نموده و کوچک‌ترین اشاره‌ای به آن نکرده‌اند^۵. هرچند که نظر این نویسندگان انکار پذیر نبوده و از جهتی با واقعیت سازگار است اما بدون در نظر گرفتن نقش انبیاء الهی و دین مبین اسلام و نیز تأثیرگذاری آن بر اندیشه‌های فلاسفه و حقوقدانان غربی بررسی موضوع مورد بحث و سیرتاریخی آن امکان پذیر نخواهد بود. برای تأیید این

^۱ - پوشهری، جعفر، حقوق اساسی، ج اول، ص ۶

^۲ - فتبارک الله احسن الخالقین (مؤمنون، آیه ۱۴)

^۳ - و اذ قال ربك للملائكة اِنی جاعل فی الارض خلیفه. (بقره، آیه ۳۰)

^۴ - و اذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم. (بقره، آیه ۳۴)

^۵ - بیشتر نویسندگان غربی در آثار خود به هنگام پرداختن به سیر تاریخی حقوق بشر تنها به این جنبه آن توجه کرده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به گلن جانسون نویسنده کتاب «اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن» که در این رساله نیز از آن استفاده شده است، اشاره کرد. شاید دلیل عمده چنین برداشتی این باشد که امروزه آن چه تحت عنوان حقوق بشر برای افراد بشر در سراسر جهان معرفی شده، تنها همین حقوقی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین گردیده و به عنوان آرمانی مشترک برای همه ملل جهان به حساب می‌آید.